

ارزیابی عوامل موثر بر افزایش

سطح عمومی قیمت‌ها در ایران

دکتر یوسف محنت‌فر، دکتر سید مجتبی مجاوریان* و دکتر تورج دهقانی**

تاریخ وصول: 85/4/4 تاریخ پذیرش: 85/7/13

چکیده:

هدف از این مقاله بررسی و ارزیابی عوامل موثر بر افزایش سطح قیمت‌ها در اقتصاد ایران طی سال‌های 83-1350 است. ضمن مروری بر تحقیقات انجام شده در این رابطه از اطلاعات آماری بانک مرکزی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی و صندوق بین‌المللی پول به صورت سری زمانی به روش حداقل مربعات معمولی (OLS) در برآورد الگوهای اقتصادسنجی استفاده شده است. مهمترین متغیرهای توضیحی مورد استفاده در این تحقیق جمعیت کشور، نرخ ارز، حجم پول، صادرات کالاها و درآمدهای نفتی است. نتایج حاصل از برآورد مدل نشان می‌دهد که این متغیرها بر افزایش سطح قیمت‌ها در ایران تاثیر زیاد و معنی‌داری دارند. همچنین، دولت باید سیاست‌های پولی انقباضی را در راستای جلوگیری از افزایش سطح عمومی قیمت‌ها براساس اهداف برنامه‌ی چهارم توسعه‌ی اقتصادی و چشم‌انداز بیست ساله‌ی کشور اجرا نماید.

طبقه بندی JEL: B16, E63

واژه‌های کلیدی: سطح قیمت‌ها، نقدینگی، نظریه‌ی مقداری پول، سیاست پولی انقباضی، روش حداقل مربعات معمولی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشگاه علوم انسانی

* استادیاران دانشگاه مازندران (ymehnatfar@yahoo.com)

** عضو هیات علمی موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی وزارت نفت

۱- مقدمه

صرف نظر از جنبه‌ی اقتصادی، تورم دارای آثار و ابعاد سیاسی و اجتماعی گسترده‌ای است؛ زیرا تورم (همانند بیکاری) در واقع، با زندگی فرد فرد جوامع انسانی ارتباط مستقیم و روزمره دارد و اغلب مردم باید در قبال افزایش قیمت‌ها و دستمزدها، تدابیر و اقدامات مناسبی اتخاذ نمایند. به دلیل آثار زیانبار تورم، اغلب دولت‌ها به ویژه طی دو دهه‌ی اخیر، به کاهش نرخ تورم به عنوان هدف اصلی سیاست‌های اقتصادی خود مبادرت نموده‌اند. متأسفانه نرخ تورم در کشور در سال‌های اخیر هر ساله به میزان زیادی افزایش داشته و این امر سبب کاهش قدرت خرید مردم و نگرانی جامعه نسبت به آینده زندگی خود شده است. قبل از اجرای سیاست تثبیت قیمت بنزین، به علت انتظارات تورمی، بلافاصله پس از افزایش قیمت بنزین، قیمت سایر کالاها و خدمات عرضه شده توسط بخش خصوصی و دولتی نیز افزایش یافت. این افزایش حتی در قانون برنامه‌ی سوم توسعه لحاظ شده بود.

در اقتصاد ایران یکی از عوامل مهم در افزایش میزان تورم طی سال‌های اخیر افزایش حجم پول بوده است، ولی متغیرهای دیگری مانند نرخ ارز، افزایش جمعیت و افزایش هزینه‌ی عوامل تولید نیز بر نرخ تورم اثر داشته است. در کلی‌ترین بیان، تورم افزایش عمومی و مداوم سطح عمومی قیمت‌ها است. بنابراین، ویژگی اصلی تورم، تداوم و عمومیت افزایش قیمت‌ها است. از این رو، افزایش ناگهانی قیمت‌ها و همچنین افزایش قیمت یک یا چند کالای خاص، نشان دهنده‌ی تورم نیست. قیمت کالاها و خدمات مورد استفاده در اندازه‌گیری تورم، شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی (CPI)^۱ است که به صورت ماهانه توسط بانک مرکزی محاسبه و منتشر می‌گردد.

تورم را برحسب معیارهای مختلفی می‌توان طبقه‌بندی نمود. بر اساس یکی از تقسیم بندی‌های معمول، تورم به چهار نوع تورم اجتناب‌ناپذیر، تورم خزنده،^۲ تورم شدید^۳ و تورم بسیار شدید^۴ یا فوق تورم طبقه‌بندی می‌شود. تورم اجتناب‌ناپذیر که عوامل سیاسی و اجتماعی در شکل‌گیری آن نقش دارند، معمولاً

^۱ Consumer Price Index

^۲ Creeping Inflation

^۳ Hyperinflation

^۴ Galloping Inflation

تا 3 درصد در نظر گرفته می‌شود. تورم بین 3 تا 10 درصد، تورم خزنده است که در آن، قیمت‌ها به آرامی افزایش و در نتیجه قدرت خرید پول به تدریج کاهش می‌یابد. در تورم شدید، شاخص قیمت‌ها سالانه بیشتر از 10 درصد افزایش می‌یابد و واحدهای اقتصادی آن را در مبادلات خود به طور مستقیم درک می‌کنند و در تصمیمات اقتصادی خود دخالت می‌دهند. این نوع تورم، مسائل سیاسی و اجتماعی خاصی در پی خواهد داشت و دولت‌ها نمی‌توانند نسبت به آن بی‌توجه باشند. نوع خاصی از تورم شدید، با افزایش سطح عمومی قیمت‌ها به میزانی بیش از 50 درصد، فوق تورم (ابر تورم) نامیده می‌شود (دورنبوش و فیشر،⁵ 1375).

به طور کلی اقتصاددانان از نظر هدف‌های سیاست کلان اقتصادی، بر مواردی همچون اشتغال کامل، ثبات قیمت‌ها (کنترل تورم)، توزیع عادلانه‌ی درآمد و رشد مداوم اقتصادی تأکید دارند. کنترل تورم به عنوان یکی از هدف‌های سیاست کلان اقتصادی به دلیل اثرات مخرب، همیشه مورد توجه اقتصاددانان بوده است. از آثار مخرب تورم می‌توان به توزیع مجدد درآمد به نفع صاحبان دارایی و به زیان حقوق بگیران، افزایش نااطمینانی و در نتیجه کوتاه‌تر شدن افق زمانی تصمیم‌گیری و کاهش سرمایه‌گذاری بلند مدت اشاره نمود.

نکته‌ی قابل توجه در خصوص تورم آن است که اقتصاددانان مکاتب مختلف در خصوص علل ایجاد تورم با یکدیگر توافق نظر ندارند. اقتصاددانان مکتب کلاسیک با اعتقاد به جدایی بخش حقیقی از بخش پولی، معتقدند سطح تولید و اشتغال با توجه به شرایط رقابت کامل و قانون سی⁶ در سطح اشتغال کامل تعیین می‌شود، و هر تغییری در بخش پولی اقتصاد بر روی متغیرهای حقیقی اقتصاد هیچ تأثیری ندارد. بر اساس فرض در سطح اشتغال کامل قرار داشتن تولید به دلیل انعطاف‌پذیری کامل قیمت، سیاست مالی و پولی بر تولید اثر ندارد. سیاست مالی بر نرخ بهره و ترکیب مخارج میان دولت و بخش خصوصی و میان سرمایه‌گذاری و مخارج مصرفی تأثیر گذار است. سیاست پولی بر هیچ یک از متغیرهای حقیقی و حتی بر ترکیب تولید نیز اثر ندارد و صرفاً منجر به تغییر قیمت‌ها می‌شود.

این مفاهیم ضمنی درباره‌ی اثرات سیاست‌های پولی بر تولید، هماهنگ با نظریه‌ی مقداری پول است. این نظریه بدین معنا است که سطح قیمت دارای

⁵ Dornbush and Fischer

⁶ SAYS law

رابطه‌ای متناسب با موجودی پول است. به این ترتیب، در نظریه‌ی کلاسیک‌ها پول بی‌اثر (خنثی) است و در نتیجه تغییرات در موجودی پول تنها باعث تغییر در سطح عمومی قیمت‌ها می‌شود و بر متغیرهای حقیقی هیچ اثری ندارد. بر اساس این نظریه، با توجه به شکل خاص تقاضا برای پول، تنها علت تورم، رشد حجم پول در اقتصاد است و برای کاهش تورم کاهش حجم پول پیشنهاد شده است (همان منبع، ص 784).

نئوکلاسیک‌ها، تورم را مساله‌ی بسیار ساده و کم اهمیت می‌دانستند، زیرا بر اساس نظریه‌ی مقداری پول و با توجه به ثابت بودن سطح تولید و سرعت گردش پول، تنها راه جلوگیری از ایجاد تورم را کنترل رشد عرضه‌ی پول توسط مقامات پولی می‌دانستند (تفضلی، 1372).

اقتصاددانان مکتب کینزی فزونی تقاضای کل، نسبت به عرضه‌ی کل را علت اساسی تورم می‌دانستند و علت اصلی افزایش تقاضا را در دو بخش پول و کالا جستجو می‌نمودند (گرچی، 1376).

از نظر پولیون^۷ تورم یک پدیده‌ی پولی بوده است؛ یعنی تورم رشد مستمر و بالای حجم پول در اقتصاد و ایجاد تورم بالا است. البته پولیون در تفسیر جدید خود از نظریه‌ی مقداری پول، در کوتاه مدت پول را خنثی نمی‌داند و معتقدند که بر متغیرهای حقیقی اثر دارد، ولی در بلند مدت نظریه‌ی کلاسیک‌ها را مبنی بر خنثی بودن پول می‌پذیرند. براساس دیدگاه مکتب ساختارگرایان^۸، علت اصلی تورم سیاست‌های آزادی پولی و مالی دولت نیست؛ بلکه عدم تعادل‌های اساسی در نظام اقتصادی، رشد عرضه‌ی پول را به دنبال دارد (دورنبوش و فیشر، صص 793-782).

این مقاله شامل 5 بخش است که در بخش اول به مبانی و تعریف تورم و در بخش دوم مروری بر ادبیات موضوع، مطالعات انجام شده در جهان و ایران پرداخته شده است. بخش سوم به روش تحقیق و معرفی الگو می‌پردازد. در بخش چهارم تحلیل نتایج ارائه شده است. بخش پایانی به نتیجه‌گیری و پیشنهادها اختصاص دارد.

⁷ Monetarists

⁸ Structuralist

2- مروری بر ادبیات موضوع

تورم وضعیتی است که طی آن سطح عمومی قیمت‌ها به طور مداوم و به مرور زمان افزایش می‌یابد. یک نکته‌ی حائز اهمیت در تعریف تورم عنصر زمان و تداوم افزایش سطح عمومی قیمت‌ها است؛ یعنی قیمت‌ها باید به صورت مداوم در طی زمان افزایش داشته باشند. اگر قیمت‌ها در یک دوره‌ی خاص افزایش یابند و سپس این روند صعودی قطع شود، به این فرایند تورم اطلاق نمی‌شود. قبل از انتشار کتاب نظریه‌ی عمومی اشتغال، بهره و پول نوشته جان مینارد کینز، در میان اقتصاددانان یک اتفاق نظر عمومی در خصوص علل ایجاد کننده‌ی تورم وجود داشت. این اقتصاددانان بر اساس نظریه‌ی معروف اقتصادی به نام نظریه‌ی مقداری پول⁹ که بر اساس آن سطح عمومی قیمت‌ها مستقیماً با مقدار پول در جریان و سرعت گردش آن و به طور غیر مستقیم با حجم تجارت تغییر می‌کند، منشأ ایجاد تورم را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دادند (تفضلی، 1372). در خصوص این نظریه، دو تفسیر تحت عنوان معادله‌ی مبادله‌ی فیشر و معادله‌ی کمبریج وجود دارد.

ایروینگ فیشر¹⁰ معادله‌ی مبادله‌ی رابطه‌ی (1) را در نظر گرفت.

$$MV = PY \quad (1)$$

در رابطه‌ی فوق، M حجم ذخائر پول، V سرعت گردش پول، P سطح عمومی قیمت‌ها و Y سطح محصول تولید شده در اقتصاد است. بر اساس این نظریه با فرض ثبات سرعت گردش پول و سطح محصول، هرگاه حجم پول در اقتصاد x درصد بالا رود، قیمت‌ها نیز به همان نسبت افزایش خواهند داشت. افزایش حجم پول با ثابت بودن سطح محصول و سرعت گردش پول، اضافه‌ی پول نسبت به مقدار لازم در اشتغال کامل را در پی خواهد داشت. بنابراین، سطح عمومی قیمت‌ها تا خرج شدن ذخایر اضافی افزایش می‌یابد.

صورت دیگری از فرمول بندی نظریه مقداری پول که در بسیاری از موارد قانع کننده‌تر است، توسط اقتصاددانان دانشگاه کمبریج مطرح شده است.

اقتصاددانان مکتب کمبریج¹¹ نیز همان فرضیات مکتب قبل (ثابت بودن سطح تولید و سرعت گردش پول) را پذیرفته‌اند. بنابراین نتیجه‌ی حاصل از معادله‌ی

⁹ Quantity Theory of Money

¹⁰ Irving Fisher

فیشر یعنی هر تغییری در حجم پول به تغییر متناسب در سطح عمومی قیمت‌ها منجر می‌شود، در این مکتب نیز به راحتی قابل استخراج است.

بر اساس نظرات پولیون، تورم یک پدیده ی پولی است. پولی بودن تورم بدان مفهوم است که میزان بالا و مستمر رشد پول سبب ایجاد تورم بالا می‌شود. این دیدگاه مفهوم ضمنی نظریه‌ی مقداری پول است.

کینز در استدلال خویش برای ایجاد تورم، به فزونی تقاضا برای کالاهای مصرفی بر عرضه‌ی آنها اشاره دارد. این اضافه تقاضا شکاف تورمی ایجاد می‌کند و در اثر آن قیمت‌ها تا پر شدن این شکاف افزایش می‌یابند.

نئوکیزین‌ها¹² از جمله توبین، فرم گسترش یافته‌ی الگوی رجحان نقدینگی را مطرح کردند که بر اساس آن، دارایی‌های مختلفی از جمله دارایی‌های واقعی مانند پول و اوراق قرضه در سبد دارایی‌ها وجود دارد.

کلاسیک‌ها¹³ و همچنین نئوکلاسیک‌ها¹⁴ تورم را یک پدیده‌ی پولی می‌دانند و از نظر آنها ایجاد تورم ناشی از افزایش عرضه‌ی پول در شرایط اشتغال کامل و ثابت بودن سرعت گردش پول است.¹⁵ ویکسل¹⁶ (1965) به وجود ارتباط غیر مستقیم بین حجم پول و قیمت‌ها اشاره می‌کند.

بر اساس نظریه‌های ساختاری تورم، ریشه‌های بنیانی تورم در ساختار اقتصادی جامعه نهفته است. به طور کلی می‌توان گفت که اساس نظریه‌ی ساختارگرایان این است که در کشورهای در حال توسعه تورم معلول عدم توازن‌های ساختاری و کشش ناپذیری عرضه در بخش‌های کلیدی اقتصاد است. بر اساس این نظریه، برای درمان اصولی تورم تغییر در سیستم تولید، ساختار اقتصادی و توزیع درآمد ضروری است. به عبارتی دیگر، سیاست‌های ضد تورمی نباید به عنوان یک واکنش مقطعی نسبت به شرایط بحرانی تلقی شود، بلکه باید جزیی از استراتژی توسعه باشد.

¹¹ Cambridge School

¹² Neo-Keynesion

¹³ Classicals

¹⁴ Neo-Classicals

¹⁵ Fisher

¹⁶ Wicksell

2-1- بررسی تورم در جهان

در اوایل دهه‌ی 1920، آلمان با تورمی بسیار شدید روبرو شد. شاخص قیمت‌ها در آلمان از آغاز جنگ اول جهانی تا سال 1924 افزایش یافت و در خلال جنگ، شاخص قیمت‌ها ابتدا افزایش یافت سپس در سال‌های اول پس از جنگ رشد شاخص قیمت‌ها نجومی شد. در سال 1921 سطح عمومی قیمت‌ها به 20 برابر سطح عمومی قیمت‌ها در سال 1914 رسید و در فاصله‌ی سال‌های 1922 و 1923 در این کشور انفجار قیمت‌ها وجود داشت (فروگن و گریر، 2002¹⁷). قابل توجه است که در دهه‌ی 1990 برخی از کشورهای در حال توسعه نیز تورم بسیار شدیدی را تجربه کرده‌اند. برای مثال، نرخ تورم سالانه در اوایل دهه‌ی 1990 در آرژانتین 3314 درصد، در برزیل 2938 درصد و در پرو 7482 درصد در سال بوده است. همچنین، نرخ تورم در سال 1988 در کشور پرو 10205 درصد و در سال 1985 در بولیوی 11748 درصد بوده است. در فاصله‌ی سال‌های 95-1991 کمترین افزایش قیمت‌ها مربوط به کشورهای صنعتی و بیشترین آنها مربوط به کشورهای نیمکره‌ی غربی شامل کشورهای آمریکای لاتین بوده است. در کشورهای صنعتی جهان در فاصله‌ی سال‌های 91-1985 حتی قیمت‌ها با کاهش نیز مواجه بوده است، اما در مجموع شاخص قیمت از 100 در سال 1985 به 108/5 در سال 1991 تغییر کرده است؛ در حالی که شاخص قیمت‌ها در کشورهای در حال توسعه و کشورهای نیمکره‌ی غربی از 100 در سال 1985 به ترتیب به 1677/3 و 74829/9 در سال 1991 تغییر یافته است. نرخ تورم در کشور انگلیس در سال 2006 به 3 درصد و نرخ بهره تا 5/25 درصد افزایش پیدا کرده است. یکی از علل افزایش میزان تورم در این کشور افزایش نرخ بهره و افزایش قیمت سوخت بوده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

¹⁷ Frogen and Greer

جدول 1: بررسی نرخ تورم (درصد) در کشورهای جهان (2001 - 2003)

نام کشور	2001	2002	2003
ایالت متحده آمریکا	2/8	1/6	2/1
ناحیه یورو	2/4	2/3	2/0
آلمان	1/9	1/3	1/-
فرانسه	1/8	1/9	1/9
ایتالیا	2/7	2/6	2/8
اسپانیا	2/8	3/6	3/1
هلند	5/1	3/9	2/6
بلژیک	2/4	1/6	1/4
اتریش	2/3	1/7	1/3
فنلاند	2/7	2/0	1/8
یونان	3/7	3/9	3/8
پرتغال	4/4	3/7	3/1
ایرلند	4/0	4/7	4/0
لوکزامبرگ	2/7	2/1	2/0
ژاپن	-0/7	-0/9	-0/3
انگلستان	2/1	2/2	2/8
کانادا	2/5	2/3	2/8
کره	4/1	2/8	3/3
استرالیا	4/4	3/0	2/9
تایوان	-	-0/2	0/1
سوئد	3/0	1/6	1/5
سوئیس	1	0/7	0/4
هنگ کنگ	-1/6	-3/0	-2/6
دانمارک	2/4	2/3	2/5
نروژ	3/0	1/3	2/7
سنگاپور	1/0	-0/4	0/6

ماخذ: صندوق بین المللی پول، 2004

در جدول (1) نرخ تورم در برخی از کشورهای جهان در دوره‌ی 2001 تا 2003 نشان داده شده است. آمارها نشان دهنده‌ی تک رقمی بودن نرخ تورم در این دوره است. در سال 2003 ایرلند با 4 درصد و ژاپن با منفی 3 درصد به ترتیب دارای بیشترین و کمترین نرخ تورم بوده‌اند.

در سال 2004 از میان 222 کشور جهان، زیمبابوه با نرخ تورم 384 درصدی در رتبه‌ی نخست قرار داشته است. پس از این کشور، کشورهای آنگولا با نرخ تورم 106 درصد، برمه با 52 درصد، هائیتی 37 درصد، ونزوئلا 31 درصد، باربادوس 30 درصد، عراق 27/5 درصد، جمهوری دومینیکن 21 و ترکیه با نرخ تورم 18/4

درصد به ترتیب در رده‌ی دوم تا سیزدهم قرار داشتند. نرخ تورم در کشورهای نائورو، هنگ کنگ، ماکائو، برونئی، لیتوانی، بلاروس، تایوان و جمهوری چک در سال 2004 منفی بوده است (صندوق بین المللی پول، 2005).

در جدول شماره (2) نرخ رشد اقتصادی کشورهای دارای بالاترین رشد اقتصادی در سال‌های 2006-2007 نشان داده شده است. بر اساس اطلاعات این جدول و آمار پیش بینی شاخص‌های اقتصادی 64 کشور جهان در سال 2007، مطابق جدول (3)، افزایش نرخ رشد اقتصادی در برخی از کشورهای یاد شده باعث کاهش میزان تورم در اقتصاد آنها شده است.

جدول 2: رتبه بندی کشورها 07-2006

رتبه	کشور	رشد اقتصادی (درصد)
1	آذربایجان	17/5
2	آنگولا	12/8
3	سودان	10/9
4	لبنان	10/2
5	چین	9/8
6	ارمنستان	9/0
7	قطر	8/9
8	قزاقستان	8/7
9	امارات	8/2
10	استونی	7/8
11	لیبی	7/8
12	لتونی	7/5

ماخذ: صندوق بین المللی پول، دورنمای اقتصادی جهان،¹⁸ 2005

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

¹⁸ World Economic Outlook

جدول ۳: پیش بینی شاخص های اقتصادی ۶۴ کشور جهان در سال ۲۰۰۷

قاره	کشور	رشد اقتصادی (درصد)	تولید ناخالصی داخلی		نرخ تورم (درصد)	درآمد سرانه (دلار)	جمعیت (میلیون نفر)
			به قیمت جاری (میلیارد دلار)	برابری قدرت خرید به میلیارد دلار			
اروپا	اتریش	2/2	371	310	1/8	45290	8/2
	بلژیک	2/2	447	375	2/0	43010	10/4
	بلغارستان	4/5	36	80	4/3	4820	7/6
	جمهوری چک	5/0	169	222	3/3	16560	10/2
	دانمارک	1/2	306	201	2/1	56380	5/4
	استونی	7/8	196	207	3/2	14120	1/3
	فنلاند	2/7	236	181	1/9	45020	5/2
	فرانسه	1/8	2520	2050	1/7	41200	61/1
	آلمان	1/4	3280	2630	2/4	39710	82/5
	یونان	3/3	263	284	2/8	23970	11/0
	مجارستان	2/9	137	186	6/0	12740	10/0
	ایرلند	5/3	248	187	3/2	58020	4/3
	ایتالیا	1/2	2090	1800	2/0	35980	58/1
	لتونی	7/5	23	27	4/8	10010	2/3
	لتوانی	7/0	35	37	3/3	10250	3/4
	هلند	2/6	756	616	1/6	45880	16/5
	نروژ	2/2	376	224	2/6	80960	4/6
	لهستان	4/1	375	581	2/6	9840	38/1
	پرتغال	1/4	219	229	2/3	20620	10/6
	رومانی	5/0	137	219	5/6	6340	21/6
	روسیه	5/9	1140	1860	9/3	8030	142/0
	اسلواکی	5/4	65	102	2/8	11850	5/5
	اسلونی	4/2	42	52	2/4	21260	2/0
	اسپانیا	2/7	1410	1360	2/7	30820	45/9
	سوئد	3/2	447	324	2/0	48950	9/1
	سوئیس	2/0	431	289	1/6	57040	7/6
	ترکیه	4/5	386	695	8/9	5130	75/2
	اکراین	6/0	102	381	10/0	2200	46/2
	انگلیس	2/3	2570	2170	2/1	42430	60/5
	استرالیا	3/1	746	766	2/9	35900	20/8
آسیا	چین	9/8	3010	1670	2/3	2280	1320
	هنگ کنگ	4/7	205	269	2/5	29350	7/0
	هندوستان	7/4	928	4720	4/9	830	1130
	اندونزی	6/0	396	1010	7/0	1590	248/9

ادامه‌ی جدول 3

قاره	کشور	رشد اقتصادی (درصد)	تولید ناخالصی داخلی		نرخ تورم (درصد)	درآمد سرانه (دلار)	جمعیت (میلیون نفر)
			به قیمت جاری (میلیارد دلار)	برابری قدرت خرید به میلیارد دلار			
آسیا	ژاپن	2/1	5290	4350	1/3	41480	127/4
	قزاقستان	8/7	90	156	7/1	5830	15/4
	مالزی	5/4	162	333	4/1	5950	27/2
	نیوزلند	1/9	102	116	3/2	24420	4/2
	پاکستان	6/4	128	455	6/5	790	162/5
	فیلیپین	5/0	126	488	5/2	1380	91/1
	سنگاپور	4/6	141	177	1/0	32030	4/4
	کره جنوبی	3/9	992	1170	3/0	20240	49/0
	تایوان	3/9	398	757	2/2	17520	22/7
	تایلند	4/8	227	642	4/1	3420	66/5
	ارژکستان	6/7	14	50	8/1	530	27/0
	ویتنام	7/3	67	308	5/5	790	85/3
	کانادا	2/6	1360	1230	2/3	41470	32/9
آمریکای شمالی	مکزیک	2/8	885	1210	3/8	8140	108/7
	آمریکا	2/2	13980	13980	3/3	46280	302/1
آمریکای جنوبی	آرژانتین	5/6	233	679	10/6	5840	39/9
	برزیل	3/3	934	1770	4/0	4930	189/3
	شیلی	5/8	157	229	3/0	9450	16/6
	کلمبیا	4/3	127	402	4/0	2710	47/0
	ونزوئلا	4/0	202	208	16/3	7360	27/4
خاورمیانه و آفریقا	الجزایر	6/8	105	234	4/0	3090	33/9
	مصر	5/9	116	367	5/8	1510	76/9
	ایران	4/6	252	818	15/4	3560	70/7
	عراق	4/1	36	88	45/0	1190	30/4
	اسرائیل	4/1	150	180	2/4	20870	7/2
	اردن	4/3	15	33	3/5	2480	6/1
	کنیا	5/5	23	57	7/5	650	35/9
	لبنان	10/2	24	32	5/0	4640	3/7
	نیجریه	5/5	135	200	10/9	930	146/2
	عربستان	5/0	369	363	0/7	14250	25/9
آفریقا جنوبی	4/5	256	640	4/7	6090	42/0	

ماخذ: صندوق بین المللی پول و مجله‌ی اکونومیست 2007

2-2- بررسی تورم در ایران

طی دوره‌ی 51-1338 سه برنامه‌ی توسعه‌ی عمرانی در کشور اجرا شد. در طول برنامه‌ی عمرانی سوم قیمت‌ها از ثبات نسبی برخوردار بود. اقتصاد ایران به طور متوسط سالانه 10 درصد رشد داشت. نرخ رشد نقدینگی خصوصی به طور متوسط سالانه 16/1 درصد و رشد متوسط شاخص قیمت‌های مصرف‌کننده 1/4 درصد در سال بود.

در دوره‌ی 56-1352 مهمترین تکانه برای اقتصاد ایران تکانه‌ی نفتی سال 1353 بود. در این سال افزایش قیمت نفت و به دنبال آن افزایش درآمدهای ارزی ناشی از صادرات نفت، منجر به افزایش شدید نقدینگی شد. این مسأله همراه با افزایش اعتبارات به بخش‌های مختلف، تقاضای داخلی را به شدت افزایش داد. به دلیل ظرفیت محدود کشور برای جذب این دلارهای حاصل از فروش نفت و عدم تعادل بین عرضه و تقاضای کل، در نهایت تورم شدیدی به وجود آمد. کمبود زیرساخت‌ها، اعم از جاده، بندر، امکانات حمل و نقل، نیروهای متخصص و نبود مدیریت کارآمد باعث عدم پاسخگویی به مازاد تقاضا به وسیله‌ی بخش عرضه‌ی اقتصاد شد. در نتیجه، قیمت‌ها افزایش یافت و اقتصاد ایران با پدیده‌ی تورم وارداتی روبرو شد.

اقتصاد ایران بعد از تکانه‌ی نفتی در سال 1353، تکانه‌ی دوم نفتی در سال 1358، جنگ ایران و عراق در سال 1359 و اجرای سیاست یکسان سازی نرخ ارز در سال 1372 و شوک نفتی سال 1377 را تجربه کرد. اقتصاد ایران بعد از دوره‌ی 56-1352 دوره‌ی جدیدی تحت شرایط روند کاهش سرمایه‌ی ثابت ناخالص را آغاز کرد. تشکیل سرمایه‌ی ثابت داخلی (به قیمت‌های ثابت سال 1376) در سال 1355، به میزان قابل توجهی نسبت به سال قبل افزایش یافت، لیکن از این سال به بعد یک روند کاهشی آغاز شد و در سال‌های 58-1356 رشد منفی داشت؛ یعنی نه تنها سرمایه‌ی جدیدتری انباشته نشد، بلکه مقداری از موجودی قبلی نیز مستهلک شد یا بخشی از آن از بین رفت. افزایش نقدینگی واقعی ناشی از کسری‌های بودجه‌ی دولت به دلیل بحران جنگ، نرخ تورم را از 11 درصد در سال 1358 به 23 درصد در سال 1360 رساند (عباسی نژاد و شفیعی، 1384). در سال‌های برنامه‌ی دوم توسعه، روند نرخ تورم کاهشی شد. طی برنامه‌ی سوم توسعه‌ی

اقتصادی، با اقداماتی که دولت برای کنترل تورم انجام داد، نرخ تورم در سال‌های 1382 و 1383 به ترتیب به 15/1 و 15/8 درصد کاهش یافت.

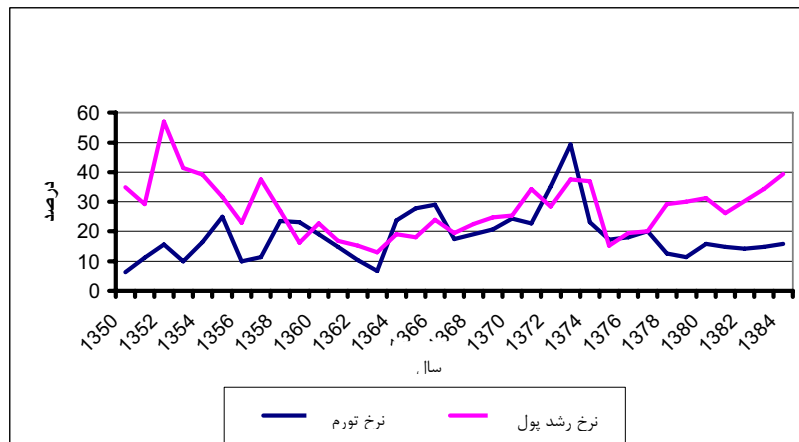
در چند سال اخیر، تورم در کشور ایران با نرخ نگران‌کننده در حال افزایش بوده و به تدریج به مهمترین مشکل حال حاضر اقتصاد کشور مبدل شده است. این تورم ابتدا از بازار عوامل تولید شروع شد و سپس، رفته‌رفته به بازار کالا و خدمات رسید. بی‌تردید، این پدیده‌ی شوم اقتصادی هزینه‌هایی برای اقتصاد کشور به دنبال دارد. به همین دلیل، دولت برای جلوگیری از هزینه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تورم باید تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها را به عنوان هدف اصلی سیاست‌های اقتصادی در نظر بگیرد (طبیعیان و سوری، 1375).

به کارگیری سیاست‌های اصولی در راستای کنترل تورم احتیاج به شناخت کاملی از عوامل مؤثر بر تورم دارد. رشد بالای نقدینگی یکی از عوامل مؤثر بر میزان تورم در اقتصاد کشور بوده است. میزان رشد نقدینگی طی سال‌های برنامه‌ی سوم که حدود 16/1 درصد پیش‌بینی شده بود، در سال‌های 83-1379 به میزان 30/1 درصد افزایش پیدا کرد.¹⁹ به همین علت یکی از عوامل مؤثر بر تورم در ایران نقدینگی تلقی شده است. رشد نقدینگی بر اساس برنامه‌ی چهارم توسعه، 24 درصد پیش‌بینی شده بود، ولی این میزان رشد در سال 1384 به حدود 37 درصد و در سال 1385 به حدود 40 درصد رسید.

نمودار 1 تغییرات نرخ تورم و رشد حجم پول در اقتصاد ایران را در طی سال‌های 85-1350 نشان می‌دهد.

¹⁹ درآمد نفتی کشور در سال 1384 حدود 43 میلیارد دلار بوده است، در حالی که بودجه‌ی همان سال (1384) به موجب قانون که باید از محل صادرات نفت خام تامین شود، 14/128 میلیارد دلار است که این میزان در چهار ماهه‌ی نخست سال 1384 تامین شده است. دلارهای مازاد حسب قانون باید به حساب صندوق ذخیره‌ی ارزی واریز شود. نگرانی اساسی این است که اقتصاد ایران در این وضعیت دچار بیماری هلندی شود. هزینه کردن مازاد درآمدهای ارزی در اقتصاد از اهمیت خاصی برخوردار است. افزایش قیمت نفت و بالا رفتن سطح منابع ارزی کشور و همچنین افزایش قیمت طلا در ابتدای سال 1385 نگرانی‌ها را نسبت به تبعات تبدیل این مازاد درآمد به ریال و تزریق آن به اقتصاد کشور دامن می‌زند.

نمودار ۱: بررسی نرخ تورم و رشد حجم پول در اقتصاد ایران، ۱۳۵۰-۸۵



ماخذ: بانک مرکزی، نماگرهای اقتصادی اداره‌ی بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۱۳۸۶

در سال‌های ۱۳۵۱ تا ۱۳۸۴ نرخ تورم یک رقمی بود، ولی از آن سال به بعد این نرخ دو رقمی شده است، به طوری که نرخ تورم در سال ۱۳۷۴ به ۴۹/۴ درصد رسید. بعد از این سال روند نرخ رشد تورم کاهشی بوده است. در سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ یعنی قبل از برنامه‌ی توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی سوم، این رقم به ترتیب به ۲۱ و ۲۰/۱ درصد رسید. در سال‌های اخیر افزایش ۷۵ درصدی قیمت بنزین یکی از دلایل عمده‌ی افزایش میزان تورم در اقتصاد ایران بوده است. هر چند افزایش قیمت یک کالا یا چند کالای خاص به تنهایی نمی‌تواند به عنوان تورم تلقی شود، ولی افزایش قیمت بنزین، همه ساله عامل مؤثری در افزایش قیمت سایر کالاها و خدمات در کشور بوده است. سیاست‌های تثبیت در خصوص حامل‌های انرژی به خصوص بنزین مصرفی در کشور در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۵ در کاهش میزان تورم در اقتصاد ایران مؤثر نبوده است.

۳- مطالعات تجربی

درباره‌ی تورم مطالعات متعددی به انجام رسیده است. برخی از مطالعات رشد بی‌رویه‌ی نقدینگی و برخی دیگر فشار هزینه یا عوامل ساختاری را عامل ایجاد تورم در اقتصاد ایران معرفی نموده‌اند.

در مطالعه‌ی دیگری بافکر (1377) با استفاده از مدلی علل اصلی تورم در ایران را بررسی کرده است. نتایج تحقیق نشان داد که 10 درصد رشد نقدینگی در بلند مدت منجر به رشد 2/7 درصدی در نرخ تورم خرده فروشی و رشد 3/2 درصدی نرخ تورم عمده فروشی می‌شود. از سویی دیگر 10 درصد افزایش در نرخ رشد تولید باعث کاهش در نرخ تورم خرده فروشی و 2/4 درصد نرخ تورم عمده فروشی می‌شود. همچنین، با برآورد یک مدل تصحیح خطا، وی نشان داد که با انجام سیاست‌های مناسب می‌توان حدود 66 درصد از شکاف نرخ تورم واقعی و نرخ تورم تعادلی را برطرف کرد. در نهایت نتایج این تحقیق نشان دهنده‌ی غیر پولی بودن تورم در ایران است.

کازرونی و اصغری (1381) سازگاری مدل تورم پولیون به همراه انتظارات عقلایی با ویژگی‌های اقتصاد ایران را آزمون کرده و رابطه‌ی متغیرهای رشد عرضه‌ی پول و تورم در چارچوب پایه‌های نظری برای اقتصاد ایران را بررسی کرده‌اند. نتایج تحقیق نشان داد که تورم و رشد پول همگرا است و در بلند مدت یک درصد افزایش در رشد پول، منجر به رشد تورم، به میزان 0/9 درصد می‌شود. در این بررسی فرضیه رابطه‌ی یک به یک بین متغیرهای مورد نظر رد نشده و نتیجه گرفته شده است که تورم در ایران یک پدیده پولی است.

4- روش تحقیق و جمع آوری اطلاعات

برای تجزیه و تحلیل داده‌های آماری در این تحقیق عوامل مؤثر بر تورم در ایران در طول دوره‌ی 85-1350 با توجه به مطالعات کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار گرفته است. در این راستا برای شناخت بیشتر عوامل و نتایج کمی پارامترها، از الگوی لگاریتمی استفاده گردیده است. جمع آوری اطلاعات آماری از طریق مرکز آمار ایران، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور صورت گرفته است.

با توجه به این داده‌ها، سوالات تحقیق عبارتند از:

- 1- آیا افزایش حجم پول در اقتصاد ایران در افزایش میزان تورم اثر داشته است؟
- 2- آیا افزایش تولید ناخالص داخلی در کاهش میزان تورم در اقتصاد ایران اثر داشته است؟

برای پاسخ به سوالات فوق به بررسی تجربی شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی و یافتن رابطه‌ی تعادلی بلند مدت بین عوامل اساسی تشکیل دهنده‌ی آن و اثر شوک‌های ناشی از این عوامل بر سطح عمومی قیمت‌ها با استفاده از اطلاعات سری زمانی سالیانه دوره‌ی ۸۵-۱۳۵۰ می‌پردازیم.

۵- نتایج الگوهای اقتصادسنجی

در مقاله‌ی حاضر با استفاده از برآورد مدل‌های اقتصادسنجی، ضرائب متغیرها تفسیر و عوامل موثر بر میزان تورم در ایران بررسی می‌شود. برای برآورد الگوهای اقتصادسنجی، ضمن بررسی و بهره‌گیری از تئوری‌های مربوط به افزایش میزان تورم و همچنین تحقیقات انجام شده در زمینه‌ی علل افزایش تورم در سایر کشورهای جهان، متغیرهای مهم موثر در افزایش تورم، به ویژه میزان حجم پول، در مدل‌های اقتصادسنجی منظور شده است. به عبارت دیگر ضمن لحاظ کردن متغیرهای فراگیر در زمینه‌ی افزایش میزان تورم در اقتصاد ایران در الگوهای اقتصادسنجی، سایر متغیرهای موثر و تاثیرگذار بر میزان تورم در اقتصاد ایران بررسی شده است.

متغیرهای مورد بررسی عبارت از شاخص قیمت‌ها (CPI)، تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت ۱۳۶۷ (GDP_t)، حجم پول (M_t)، نرخ ارز (Ex) و صادرات کشور (X_t) است.

۵-۱- آزمون ریشه‌ی واحد

اغلب متغیرهای اقتصاد کلان، دارای یک روند تصادفی یا به عبارتی ریشه‌ی واحد هستند که با یک یا چند بار تفاضل‌گیری، روند مذکور حذف می‌شود. وجود چنین روندی، تخمین و استنباط‌های آماری به روش‌های اقتصادسنجی سنتی را غیر معتبر می‌سازد و رگرسیون کاذب ایجاد می‌شود. از سوی دیگر، برای رعایت پیش شرط پایایی متغیرها و به کارگیری روش‌های متداول اقتصادسنجی، چنانچه تفاضل مرتبه‌ی اول یا بیشتر متغیرهای سری زمانی استفاده شود، با مشکل از دست دادن اطلاعات ارزشمندی در رابطه با سطح متغیرها روبرو خواهیم بود (نوفرستی، ۱۳۷۸، ص ۷۵). بنابراین، می‌توان با استفاده از روش همجمعی بدون

نگرانی از کاذب بودن رگرسیون، بر اساس سطح متغیرها، سری زمانی را برآورد نمود.

مفهوم اقتصادی همجمعی آن است که وقتی دو یا چند متغیر سری زمانی بر اساس مبانی نظری با یکدیگر ارتباط داده می‌شوند تا یک رابطه‌ی تعادلی بلند مدت را شکل دهند، هرچند ممکن است خود این سری‌های زمانی دارای روند تصادفی باشند (ناپایا باشند)، اما در طول زمان یکدیگر را به خوبی دنبال می‌کنند، به گونه‌ای که تفاضل بین آنها پایا²⁰ است. بنابراین، مفهوم همجمعی، تداعی کننده‌ی وجود یک رابطه‌ی تعادلی بلند مدت است که سیستم اقتصادی در طول زمان به سمت آن در حرکت است (همان منبع، صص 76-77). برای این منظور از آزمون دیکی - فولر²¹ تعمیم یافته بر روی جملات خطای تک تک معادلات رفتاری مدل (که به آزمون انگل - گرنجر تعمیم یافته²² مشهور است) استفاده می‌کنیم. در آزمون همجمعی انگل - گرنجر، پس از برآورد مدل، آزمون ریشه‌ی واحد برای جملات خطای هر کدام از معادلات رفتاری انجام می‌شود. اگر جملات خطای کلیه‌ی معادلات برآورد شده در سطح، پایا باشند، دلالت بر عدم وجود رگرسیون کاذب است (همان منبع، صص 80-81) و می‌توان نتیجه گرفت که معادله‌ی برآورد شده در بلند مدت، با ثبات است. در نتیجه یک رابطه‌ی تعادلی بلند مدت بین متغیرهای وابسته و متغیرهای توضیحی آنها به گونه‌ای که در مدل مطرح شده، برقرار است. در این مقاله با استفاده از آزمون دیکی - فولر تعمیم یافته برای وجود ریشه‌ی واحد و ناپایایی²³ (که در اغلب متغیرهای سری زمانی اقتصاد کلان وجود دارد و تقریباً تعداد حجم نمونه‌ی آنها زیاد باشد وجود دارد) استفاده می‌کنیم. نتایج این آزمون در جدول شماره‌ی (1) نشان داده شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

²⁰ Stationary

²¹ Augmented Dickey-Fuller

²² Augmented Engle-Granger test

²³ Non- Stationary

جدول ۱: نتایج آزمون انگل-گرنجر تعمیم یافته

مقادیر بحرانی			ADF	نام متغیرها
سطح 1 درصد	سطح 5 درصد	سطح 10 درصد		
۲۰۵۶/۳	۵۴۶۸/۳	۲۵۰۵/۴	۲۷۳۶۰۲/۲	LCPI
۲۰۵۶/۳	۵۴۶۸/۳	۲۵۰۵/۴	۳۹۹۵۲۹/۳	D(LCPI(-۱))
۲۰۵۶/۳	۵۴۶۸/۳	۲۵۰۵/۴	۱۲۱۶۹۹/۲	LGDPt
۲۰۵۶/۳	۵۴۶۸/۳	۲۵۰۵/۴	۱۷۲۵۰۵/۳	D(LGDPt(-۱))
۲۰۵۶/۳	۵۴۶۸/۳	۲۵۰۵/۴	۵۲۰۷۹۲/۳	LMT
۲۰۵۶/۳	۵۴۶۸/۳	۲۵۰۵/۴	۳۲۹۳۸۰/۳	D(LMT(-۱))

ماخذ: نتایج تحقیق

نتایج آزمون‌های ریشه‌ی واحد برای سه متغیر شاخص قیمت‌ها، حجم پول و تولید ناخالص داخلی در جدول فوق نشان داده شده است.

2-5- برآورد مدل

از اطلاعات دوره‌ی زمانی 85-1350 برای برآورد مدل‌های اقتصادسنجی استفاده شده است. در برآورد الگوهای اقتصادسنجی از بسته‌ی نرم افزاری *Eviews* و روش حداقل مربعات معمولی²⁴ استفاده شده است. مدل نهایی برآورد شده به صورت زیر است.

$$\frac{\Delta P}{P} = \beta_0 + \beta_1 LM + \beta_2 LGDPt + U_i$$

$$\frac{\Delta P}{P} = 0/۱۸ \cdot LMT - 0/۴۲ LGDPt$$

(21/77) (-13/42)

$$R^2 = ۰/۹۶$$

$$DW = ۲/۰۴۷$$

در رابطه‌ی فوق اعداد داخل پرانتز آماره‌ی t است.

در مدل نهایی لگاریتمی با استفاده از نظریه‌ی مقداری پول، اثر حجم پول بر افزایش میزان تورم در ایران بررسی شده است. بر اساس نتایج کمی مدل فوق، متغیرهای حجم پول و تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال 1376، اثری خاص و معنی دار بر افزایش تغییرات شاخص قیمت‌ها داشته‌اند. نتیجه‌ی برآورد مدل نهایی نشان می‌دهد که یکی از دلایل افزایش میزان تورم در چند سال اخیر،

²⁴ OLS

افزایش حجم نقدینگی در اقتصاد ایران بوده است. افزایش تولید باعث کاهش سطح عمومی قیمت‌ها در نهایت کاهش میزان تورم شده است. البته، افزایش حجم پول در سال‌های مورد بررسی به خصوص در سال 1385 که رشد نقدینگی به حدود 40 درصد رسیده است به عنوان یکی از عوامل اساسی در افزایش تورم در اقتصاد ایران است.

6- جمع بندی و پیشنهادها

مهمترین متغیرهای موثر بر تورم، رشد نقدینگی²⁵ است. برای کاهش رشد نقدینگی اصلاح نظام بودجه‌ریزی دولت ضروری است. همچنین بانک مرکزی می‌تواند در صورت لزوم، با ابزارهای کمی سیاست پولی، رشد نقدینگی را کاهش دهد. نحوه‌ی عمل بانک‌های تجاری نیز بر حجم پول و نقدینگی کشور تأثیرگذار است. پایه‌ی پولی کشور در سال 1382 با 11/3 درصد افزایش نسبت به سال قبل از آن به 133 هزار میلیارد ریال رسید. همچنین در پایان سال 1382 میزان نقدینگی کشور بالغ بر 526 هزار و 596 میلیارد ریال بود که نسبت به سال 1381 بیش از 26 درصد رشد نداشت. با توجه به این که در سال 1382 اجزای تشکیل دهنده‌ی نقدینگی، یعنی پول و شبه پول به ترتیب 19 و 31/7 درصد افزایش داشتند، رشد نقدینگی در سال 1383 تقریباً 30/5 درصد افزایش یافت و این میزان در سال 1384 به علت ازدیاد برداشت از حساب ذخیره‌ی ارزی به حدود 4/34 و در سال 1385 این نرخ به حدود 40 درصد افزایش پیدا کرد. یکی از عوامل مهم و موثر بر افزایش سطح عمومی قیمت کالاها و خدمات رشد حجم پول طی سال‌های گذشته در اقتصاد ایران بوده است. میزان کسری بودجه‌ی دولت در سال 1385، تقریباً 70000 میلیارد ریال بوده است. بدون در نظر گرفتن این کسری میزان رشد نقدینگی طی سال 1385 به حدود 40 درصد رسید (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، 1385).

²⁵ نقدینگی، حجم پول و شبه پول است. افزایش نقدینگی به افزایش حجم پول (مسکوک و غیرمسکوک) و شبه پول (سپرده‌های دیداری و غیر دیداری، کوتاه مدت و بلند مدت) در طول یک دوره‌ی زمانی مشخص گفته می‌شود.

کاهش نرخ تورم مورد انتظار، بیش از هر متغیر دیگری می‌تواند منجر به کاهش نرخ تورم گردد. بنابراین، هر سیاست اقتصادی کاهش دهنده‌ی این متغیر، بهترین سیاست برای کاهش نرخ تورم است. دولت می‌تواند به روش مؤثری بر انتظارات تورمی تأثیر بگذارد. برای مثال، حفظ ثبات نسبی در سیاست‌ها، گام مؤثری در این راستا است، هر چند قسمتی از عوامل مؤثر بر انتظارات تورمی، متأثر از سیاست خارجی و اقتصاد جهانی است و توسط سیاست‌های اقتصادی داخلی تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد. برای کاهش تورم می‌توان از سیاست‌های اقتصادی کوتاه مدت و بلند مدت استفاده کرد. در بخش سیاست‌های کوتاه مدت دولت باید از افزایش قیمت‌ها جلوگیری کند و انقباض و کاهش هزینه‌های جاری خود را به طور مستمر پیگیری نماید. در بخش سیاست‌های بلند مدت، بانک مرکزی باید استقلال بیشتری داشته و با سیاست‌های مالی و پولی صحیح، سعی در کنترل تورم داشته باشد. استقلال بانک مرکزی این امکان را ایجاد می‌کند که دولت به راحتی نتواند با تکیه به این بانک، هزینه‌ها و کسری بودجه‌ی خود را افزایش دهد. دولت باید در راستای تامین مالی کسری بودجه‌ی خود از طریق استقراض از مردم و بانک‌های تجاری در مبارزه با تورم اقدام کند.

پیشنهاد می‌گردد که دولت برای مبارزه‌ی جدی با تورم ضمن تشویق مردم به مصرف کمتر و پس انداز بیشتر، زمینه‌ی کاهش تقاضای کل و افزایش سرمایه‌گذاری و در نهایت افزایش تولید و رشد اقتصادی را فراهم سازد.

همچنین، دولت باید اقدام به برابر نمودن نرخ افزایش حجم نقدینگی با نرخ رشد تولید واقعی کند. نکته‌ی قابل توجه آن است که به علت افزایش رشد نقدینگی در سال 1385 که به حدود 35/6 درصد رسیده است، اثر افزایش این میزان نقدینگی در پایان سال جاری و در نهایت در ابتدای سال 1387 باعث افزایش میزان تورم در اقتصاد ملی خواهد شد. ریشه‌ی تورم در ایران در سیاست‌های پولی و مالی و عمدتاً در کسری بودجه‌ی دولت نهفته است. به همین دلیل تاکنون دولت قادر نبوده است که نرخ تورم را کاهش دهد. بنابراین، دولت باید در راستای کاهش میزان تورم در کشور اقدامات جدی به عمل آورد و میزان نقدینگی در اقتصاد ملی را به عنوان یکی از عوامل افزایش میزان تورم، کنترل کند.

فهرست منابع:

- بافکر، آزیتا، بررسی علل تورم در ایران به روش همجمعی 1374-1338، تهران، پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، 1377.
- بانک مرکزی جمهوری ایران، گزارش اقتصادی و ترازنامه‌ها، تهران، اداره‌ی حساب‌های اقتصادی، سال‌های مختلف.
- تفضلی، فریدون، تاریخ عقاید اقتصادی، تهران، نشر نی، 1372.
- دورنبوش، رودیگر و فیشر، استانلی، اقتصاد کلان، ترجمه‌ی محمد حسین تیزهوش تابان، تهران، انتشارات سروش، 1375.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، قانون برنامه سوم توسعه‌ی اقتصادی اجتماعی و فرهنگی کشور، تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، 1378.
- طبیعیان، محمد و سوری، داود، "ریشه‌های تورم در اقتصاد ایران"، پژوهشنامه‌ی بازرگانی، شماره 1، 1375، صص 37-43.
- عباسی نژاد، حسین و شفیع‌ی، افسانه، "آیا در اقتصاد ایران پول واقعا" خنثی است؟"، مجله تحقیقات اقتصادی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، شماره 68، 1384، صص 115-154.
- کازرونی، علیرضا و اصغری برات، "آزمون مدل کلاسیک تورم در ایران، روش همگرایی"، پژوهشنامه بازرگانی، فصلنامه شماره 23، 1381، صص 97-138.
- گرچی، ابراهیم، ارزیابی مهمترین مکاتب اقتصاد کلان، تهران، مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران، چاپ اول، 1376.
- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری، تهران، مرکز آمار ایران، سال‌های مختلف.
- نوفرستی، محمد، ریشه واحد و همجمعی در اقتصادسنجی، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ اول، 1378.

- Fisher, I., The Purchasing Power of Money, New York, Macmillan, 1911.
- Frogon, R.T. and Greer, D.F., Principles of Macroeconomics, Prentice Hall, 1988.
- Wicksell, K., Interest and Prices, trans. Richard F. Kahn, New York, A.M. Kelley, 1965.

The Evaluation of Factors Affecting General Price Increase Levels in the Economy of Iran

Yousef Mehnatfar (Ph.D.), Seyyed Mojtaba Mojaveryan
(Ph.D.) * and Touraj Dehghani (Ph.D.) **

Abstract:

In this Paper we assess the factors affecting the cost increase in Iran during 1971-2005. Therefore, it is necessary to have a glance at the texts discussing the manner and the main sources of information such as Statistical data of the Central Bank, Management and Planning Organization, and International Money Fund, utilizing the OLS Method to evaluate the economical patterns in the country. In this paper the main explanatory variables are population, foreign currency, and amount of money, exports and oil income. The final results demonstrate that these are the main variables affecting the cost increase in Iran. Thus, the government should put into practice the concretionary monetary policy, during the fourth program of economical development and the outlook of country's next 20-year program as well.

JEL classification: *B16, E63*

Keywords: Quantity theory of money, restrictive monetary policy, liquidity, price levels, ordinary least square

* Assistant professors of economic at University of Mazandaran

** Member of Academy of the Institute for International Energy Studies